

ققنوس

آفرین به فرهادی



▮ **داریوش مهرجویی**

● خوشحالم این فیلم برنده شده و سینمای ایران دومین اسکار را از آن خود کرد. آفرین به اصغر فرهادی.

باعث افتخار است



▮ **لیلی گلستان**

● خیلی خوشحالم. صبح زود تلگرام را دیدم و تا خبر را نوشتمند زدم زیر گریه و فوری یک اس‌ام‌اس برای آقای فرهادی فرستادم و تبریک گفتم. باعث افتخار است. این هوشمندی زیبا هم در انتخاب فیروز نادری و انوشه انصاری فقط از فرهادی برمی‌آمد. آفرین.

درس‌های فروشنده



▮ **ابراهیم حقیقی**

● سینما و تمام هنرهای دیگر، اگر راستین و همسوی انسانیت و با نیتِ خواستنِ جهان صلح‌آمیز و آرام باشد، که در تمام طول تاریخ با حضورشان همین را اثبات کرده‌اند، حرفی دارند که اندیشه و رفتار همه انسان‌ها را نشانه می‌گیرند و سامان می‌بخشند. هنر راستین و هنرمند متعهد و بامعرفت، همیشه نشان داده است که حرفش از هزاران لشکر و توپ و تانک و موشک، کارا تر و ماندگارتر است. بی‌آنکه کوچک‌ترین زخمی به هیچ موجود زنده‌ای وارد کند؛ اما این‌گونه فرصت‌ها را کمتر در اختیار هنرمند می‌گذارند، فرصتی که آقای فرهادی و نمایندگانِش، خانم انوشه انصاری و آقای فیروز نادری از جایگاهی پربیننده و جهانی با نام ایران- و ایرانی یادآور شدند که میان مرزبندی و بی‌مرزی، میان تفاهم و عدم تفاهم، میان صلح‌جویی و جنگ‌طلبی، میان دیوار بی پنجره، فاصله کوچکی است که انسان معاصر قرن بیست‌ویکمی می‌داند که چه می‌خواهد. کام ما از مهر شیرین می‌شود. زنده‌باد سینما، زنده‌باد هنر.

تقدیم به شخص فرهادی



▮ **مر فیبه برومند**

● متن پیام فرهادی از فیلمش انسانی‌تر و زیباتر بود، من اسکارم را به شخص فرهادی اهدا می‌کنم که توانست این‌چنین هوشمندانه پیام صلح و انسان‌دوستی ایرانی‌ها را به گوش دنیا برساند.

احساس غرور هنری



▮ **کریستف رضاعی**

● چقدر لذت‌بخش است احساس غرور هنری! هنری که از درون شخص هنرمند می‌درخشد و ماهیت یک فرهنگ، یک ملت و حتی فراتر از این، جوهر کیهان و عالم و جهان، است. هنر چه قدرتی دارد! زیباترین و ظریف‌ترین نشانه انسان خالق. برخلاف سلیقه‌ها و محدودیت‌هایی که خود همان انسان ایجاد می‌کند، می‌تنگد، آرام، با سلاح صلح و زیبایی... و امید و انگیزه می‌دهد. کسب دومین اسکار نه‌تنها پیروزی هنرمند بزرگ جهان‌بین، اصغر فرهادی، است بلکه پیروزی هنر است... جایی که دیپلماسی شکست خورده... افتخار می‌کنیم ما هنرمندا، ما ملت ایران، ما بخشی از جهان که چنین امید و افقی به ما می‌دهد؛ استاد بزرگوار آقای فرهادی عزیز... از ته قلب سپاس و تبریک.

ققنوس سینمای ایران



▮ **کارن همایون‌فر**

● اصغر فرهادی عزیزم، هنر این سرزمین قصه و غصه ققنوس است. هرگاه به خاکستر می‌نشیند این شط روان فرهنگ و هنر این خاک پرگوهر، ناگهان مردی از خاکسترهای خویشت دوباره و دوباره برمی‌خیزد تا زنده نگه دارد آرزوهایمان را. در این روزهای خاکستری تو ققنوس سینمای ایران هستی، درود بر تو، با احترام و تبریک.

اهدای جایزه اسکار به فیلم «فروشنده» که دومین جایزه اسکار اصغر فرهادی محسوب می‌شود، نه‌تنها برای سینما و ملت ایران خوشایند بود، بلکه مخالفان ارتجاع و جرمیت در سطح جهان را نیز خوشحال کرد. هشتادونهمین دوره مراسم اهدای جوایز سینمایی «اسکار» در حالی برگزار شد که رفتارهای خصمانه دونالد ترامپ، در قبال منع ورود مهاجران به آمریکا که در فرمانی هفت کشور جهان از جمله ایران را در فهرست خود قرار داده بود، واکنش هالیوود و هنرمندان در سطح جهان را برانگیخت. این رئیس‌جمهور آمریکا که با رفتارهای نژادپرستانه و اظهارنظرات مشعشع خود روزنامه‌نگاران حق‌طلب و هنرمندان سینما را نواخته است، به نظر می‌رسد وارد بازی‌ای سیاسی شده که نتیجه معقولی از آن مستفاد نمی‌شود، اما همین رفتارهای او عزم هنرمندان سینما را جزم کرد که اعتراض خود را عملی کنند؛ از اعتراض‌های علنی مریل استریپ در مراسم گلدن گلوب گرفته تا اتحاد هنرمندان انگلیسی و عزم جرم صادق خان، شهردار لندن، در نمایش فیلم «فروشنده» در میدان ترافالگار لندن ... هم‌زمان با مراسم اسکار شروع شد. ضمن اینکه نخستین کسی که از طرف ایران در برابر فرمان ترامپ واکنش نشان داد، ترانه علیدوستی بود که در متن توئیتری خود حضور در مراسم اسکار را تحریم کرد. کمی بعد اصغر فرهادی اعلام کرد که اسکار را تحریم نمی‌کند، اما به احترام ملت ایران در مراسم اسکار شرکت نخواهد کرد. بعد از آن سیل حمایت‌های هنرمندان مختلف در سطح جهان همراه فرهادی شد. کار به جایی رسید که در نظرسنجی‌های سایت‌ها، «فروشنده» از رقیب جدی‌اش «توتی اردمن» پیشی گرفت. بعد از آن هر پنج نامزد جایزه اسکار بهترین فیلم خارجی، در بیانیه‌ای مشترک، موج ناسیونالیسمی را که در آمریکا و دیگر کشورها ریشه دوانده تبیح کردند.

اصغر فرهادی هم دو نفر از ایرانیان نخبه مقیم آمریکا را به نمایندگی خود برای حضور در مراسم اسکار معرفی کرد: انوشه انصاری و فیروز نادری. مراسم اسکار ۲۰۱۷، نهم اسفندماه ساعت چهار بامداد به وقت تهران آغاز شد. درحالی‌که رایت تلویزیونی- ماهواره‌ای پخش مراسم اسکار در خاورمیانه ازسوی شیخ عرب خریداری شد تا ایرانیان نتوانند این مراسم را ببینند، اما با همه این مشکلات، دستداران سینمای ایران از طرق مختلف اخبار لحظه‌به‌لحظه را رصد کردند. لحظه‌ای که فیلم‌های نامزد بخش بهترین فیلم خارجی‌زبان و بعد فیلم برگزیده معرفی شد، بالاخره پیش‌بینی‌ها به حقیقت پیوست و از درون پاکت قرمز عنوان این فیلم بیرون آمد: «فروشنده». همین پیروزی کافی بود که بار دیگر نام ایران در سطح جهان از طریق شبکه‌های ماهواره‌ای و تلویزیونی و ... طنین‌انداز شود. بعد از آن انوشه انصاری و فیروز نادری روی سن رفتند. انوشه انصاری حامل پیاپی از سوی فرهادی بود که به این مضمون قرانئت کرد: «افتخار بزرگی‌ست که برای دومین‌بار این جایزه باارزش را دریافت می‌کنم. از اعضای آکادمی، گروهم در ایران، تهیه‌کننده‌ام (الکساندر ماله-کی» و پخش‌کنندگانم «کوهن مدیا» و «آمازون»

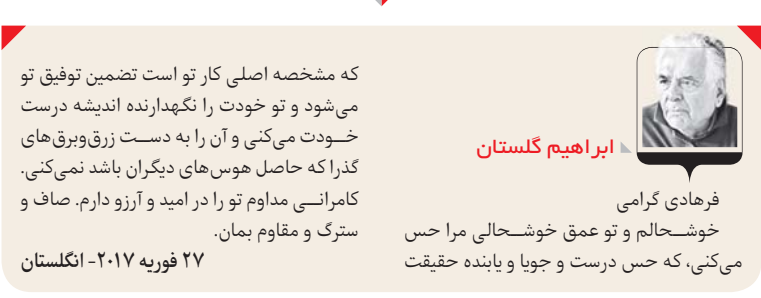
هنر



دومین اسکار فرهادی برای ملت و سینمای ایران

اسکار حیثیتی

فرانک آرتا



تشکر می‌کنم. همچنین سیاست‌گزارم از همبستگی دیگر کاندیداهای بهترین فیلم خارجی. متأسفم که امشب در کنار شما نیستم. من به احترام مردم کشورم و شش کشور دیگر که با قانون غیرانسانی منع ورود مهاجران مورد بی‌احترامی واقع شدند به آمریکا نیامدم. تقسیم‌بندی جهان به ما و دشمنان ما توسط سیاست‌مداران افراطی، باعث ترس می‌شود، ترسی که توجیهی‌ست دروغین برای خشونت‌ها و جنگ‌ها. جنگ‌هایی که مانع بزرگی بوده‌اند برای رسیدن به دموکراسی و رعایت حقوق بشر در کشورهایی که مورد تهاجم واقع شده‌اند. سینماگرانی می‌توانند با چرخش دوربین‌هایشان به مشترکات انسانی، کلیشه‌هایی که از ملیت‌ها و ادیان مختلف ساخته شده است را بشکنند و زمینه همدردی و به دنبال آن همبستگی مردمان جهان را فراهم کنند. همدردی چیزی‌ست که ما امروز بیشتر از هر زمانی به آن نیازمندیم.

اما خیلی‌ها به این حرکت فرهادی معترض شدند که چرا این دو فضانورد را برای دریافت جایزه اسکار انتخاب کرده‌است. این‌دو چهره ایرانی پس از این مراسم با خبرنگاران درباره این موضوع سخن گفتند. «انصاری» درباره عدم حضور «فرهادی» و دریافت جایزه از سوی کارگردان «فروشنده» گفت: «به نظر او می‌خواست

مراسم، بعد از شوخی با نامزدها تیکه‌های زیادی به دونالد ترامپ انداخت.

با دادن جایزه بهترین بازیگر نقش‌ش مکمل مرد به بازیگر سیاه‌پوست، «ماهرشالا علی»، برای فیلم «متهاب»، دیگر اسکار امسال سفید نبود. ضمن اینکه جایزه بازیگر نقش مکمل زن هم به بازیگر سیاه‌پوست، «وایولا دیویس»، برای فیلم «حصارها» رسید. فیلم «لالاند» توانست جایزه بهترین کارگردانی را دریافت کند و کارگردان جوان فیلم «دمن شزل» این جایزه را تصاحب کرد. بهترین بازیگر نقش اول مرد، «کیسی افلک» (منجستر کنار دریا) و بهترین بازیگر نقش اول زن، «اما استون» برای (لالاند) شدند. بهترین فیلم‌نامه اقتباسی به فیلم «متهاب» رسید و جایزه بهترین فیلم‌نامه اصلی را نیز «متهاب» دریافت کرد.

فیلم «آچی: ساخت آمریکا» برنده بهترین مستند بلند شد. جایزه «بهترین انیمیشن» به «زوتوپیا» رسید. «ستخ ارای» بهترین تدوین و میکس صدا، «لالاند» بهترین طراحی تولید، ترانه، فیلم‌برداری و موسیقی، «هیولاهای شگفت‌انگیز و زیستگاه آنها»، بهترین طراحی لباس، «جوخه انتحار»، بهترین چهره‌آرایی، «ورود»، بهترین تدوین صدا، «کتاب جنگل»، بهترین جلوه‌های ویژه بصری، «آوازخواندن»، بهترین فیلم کوتاه، «فلسوت‌زن»، بهترین فیلم کوتاه انیمیشن و «کلاسه‌فیدها»، بهترین مستند کوتاه معرفی شدند.

هرچند که فیلم موزیکال «لالاند» با نامزدی در ۱۴ شاخه پیش‌از این رویداد سینمایی بود، ولی در نهایت رقابت را به فیلم «متهاب»، ساخته «جری جنکینز» باخت. هرچند که این جایزه ازسوی وارن بتی به اشتباه خوانده شد.آکادمی اسکار هم با انتشار بیانیه‌ای از اشتباه پیش‌آمده در زمان معرفی برنده شاخه بهترین فیلم

عذرخواهی کرد. به گزارش سایت رسمی آکادمی اسکار، کمپانی «پرایس واتر هاوس کوپرس» که برگزارکننده اصلی مراسم اسکار است، با انتشار بیانیه‌ای نوشت: «صادقانه از سازندگان دو فیلم «متهاب» و «لالاند» و همچنین «وارن بتی» و «فی دانلوی» (اعطاکندگان جایزه) برای اشتباه پیش‌آمده در هنگام معرفی برنده اسکار بهترین فیلم عذرخواهی می‌کنیم.اعطاکندگان این جایزه پاکتی اشتباه را برای معرفی برنده این شاخه دریافت کرده بودند و زمانی که متوجه این اشتباه شدیم، فوراً آن را تصحیح کردیم. درحال‌حاضر مشغول بررسی چگونگی رخ‌دادن این اتفاق هستیم و از این اتفاق عمیقاً آفسود می‌خوریم». در این بیانیه همچنین از نامزدها، آکادمی اسکار، شبکه ABC و «جیمی کیمل»، مجری مراسم، نیز که به‌خوبی شرایط را مدیریت کردند قدردانی شده است. یکی از بخش‌های مراسم امسال یادبود درگذشتگان بود که نام و عکس زنده‌یاد عباس کیارستمی هم یادآور زحمات این هنرمند برای تعالی و معرفی سینمای ایران در جهان بود. به‌هرشکل با وجود تحلیل‌های مختلف مبنی‌بر سیاسی‌بودن این دوره اهدای جوایز، اما یامد این اسکار در حقیقت استیفای حقی بود که ملت ایران دارای آن است.

مخالف‌خوانی

اولین لحظات شادامانی، مخالف‌خوان‌ها را به یاد آورد که به‌تازگی در فضای مجازی پیگیرشان شده‌ام. و این یادداشت کوتاه را درواقع انکار دارم برای آن مخالف‌خوان‌های جهان مجازی می‌نویسم که از همین حالا و چه‌بسا از دیشب بازی را شروع کرده‌اند. می‌خواهم بگویم من درک می‌کنم و می‌پذیرم که این فیلم را بهترین اثر سازنده‌اش ندانیم و نقدهایی بر آن وارد کنیم. من درک می‌کنم و می‌پذیرم که به مراسم اسکار اعتماد نکنیم و حواسمان به پشت‌پرده‌های احتمالی‌اش باشد. اما درک نمی‌کنم و نمی‌پذیرم که چطور می‌شود این جایزه را یک اتفاق بزرگ و ویژه و بسیار مثبت در وضعیت سرزمین ما ندانست، وقتی می‌تواند جنگ احتمالی‌ها را در نطفه خفه کند و احتمالش را بآیند بیاورد؛ حمله به سرزمین مردمی که سینمایش این‌طور پیش‌رفته و جهان‌گیر است ممکن نیست. یا دست‌کم به‌آسانی حمله به سرزمینی نیست که هیچ بروز فرهنگی در جهان ندارد. این جایزه می‌تواند به

آزادیم و تازه دلمان خنک شد. برخی دیگر به همان منطق بگذار کار یکسره بشود و بالاخره آن جنگ کذایی سر بگیرد دست آویخته بودند. و زیر تمام این نظرها دیگری نظرهایی گذاشته بودند. مخالفیانی که رکیک‌ترین جواب‌ها را داده بودند و موافقینی که سعی کرده بودند از این هم رکیک‌تر پاسخ مخالفین را بدهند.

حالا ربط تمام این حرف‌ها به اسکار و فیلم فروشنده چیست؟ موضوع این است که بسیار بعید است که ما مردم ایران بتوانیم فارغ از علاقه به این فیلم و به مراسم اسکار، با هم در شادمانی برای برنده‌شدن این فیلم شریک شویم. به‌زودی مخالف‌خوانی‌ها آغاز خواهد شد و البته هیچ اشکالی هم در مخالف‌خوانی با دلیل و مدرک و استدلال وجود ندارد. مشکل این است که بسیاری وقت‌ها مخالف‌خوانی‌ها یا شخصی هستند، یا بی‌منطق، یا ازبیش‌تعین‌شده و بی‌تعقل و جناحی. برایِ همین هم زمان از من پیشی گرفت و در همان



▮ **نغمه تهمینی**

تا همین چند وقت پیش خیال می‌کردم ما ایرانی‌ها در بعضی نقاط فکری، بی‌امواگر و مشترکیم. مثلاً یکی‌اش همین فرمان ترامپ که خیال می‌کردم ایرانی در جهان نیست که این فرمان را تحقیرآمیز و پوک و پوچ نداند. اما با کمی غشت‌وگذار در فضای مجازی دریافتم که آن حالت غیرقابل‌تحمل مخالف‌خوانی با هر بها و بهانه‌ای، حتی در این نقطه اشتراک واضح و میرهن نیز فعال شده است. برخی از ایرانی‌های مقیم آمریکا نوشته بودند که خیلی هم این فرمان ترامپ خوب است، برخی ایرانی‌های داخل نوشته بودند دودش برود به چشم اغنای گرین‌کارت‌دارا ما که از هفت‌دولت

نماینده مظلومیت، خرد و لطافت

همدلی که با تصمیمات دولت جدید آمریکا (ترامپ) ایجاد شد، تبعات وحشتناکی به بار خواهد آورد. این همگرایی در قبیله هنر در سطح جهانی نشان داد مثل گذشته سیاست‌مدارها نمی‌توانند تصمیم بگیرند و تمام بشریت مجبور به اطاعت باشد، زیرا قشر نخبه جهان واکنش نشان می‌دهد و در برابر این سیاست‌ها موضع‌گیری می‌کند. من برای اصغر فرهادی، غبطه می‌خورم که تنها جایزه اسکار را نبرده است، بلکه او یک شبه‌نماینده برگزیده‌ای شد به‌عنوان نماینده مظلومیت، نماینده خرد، نماینده لطافت و روح انسانی... انکار که اصغر فرهادی پیامش برگرفته از عصره همه پیامبران عالم بود و رسانشش را به نحو احسن انجام داد. اصغر از این جهت هم جایزه گرفت و در بزنگاه تاریخی که یک‌باره انشاق افتاده، کائنات همه‌چیز را خوب در کنار هم چیده است که پیام اصغر فرهادی به این زیبایی به گوش بشریت برسد. من به مردم سرزمینم بابت پرورش‌دادن چنین فرزندی در دامن خودش تبریک می‌گویم.



▮ **حسین پاکدل**

من ضمن تبریک به اصغر فرهادی، گروه سازنده فروشنده و مردم هنردوست ایران، این نکته به ذهنم می‌رسد: در این روزگاری که سیاست‌مدارهایی با عریده‌گشتی می‌خواهند جهان را به سمت خشونت بی‌حدوحصر ببرند، نشان داد که باز هم هنر است که می‌تواند به داد انسان و انسانیت برسد و فضا را آرام کند؛ انسان‌ها را به فطرت خودشان گوشزد و ما را متوجه انسانیت و عواطف انسانی کند. ما می‌توانیم فارغ از تفاوت‌های نژادی، دینی، جغرافیایی و طبقات اجتماعی در این جهانی که به ما امانت داده شده است، زیست خوبی در کنار هم داشته باشیم. این اتفاق نشان می‌دهد که به هر صورت بخش هنرمند جهان نسبت به سرنوشت بشریت حساس‌تر است. این

هنر

عمق میدان

جایزه فرهادی سرفرازی همه ماست



▮ **پرویز دواپی**

● خیلی خیلی تبریک. نه‌فقط به آقای نازنین -فرهادی- که این جایزه حشش بود و همه گفته‌اند فیلمش شایسته‌تر از فیلم‌های رقیایش بود؛ بلکه به کل ملت ایران که می‌دانم چقدر خوشحال‌اند از این جایزه، در هر جای جهان که باشند، این اتفاق. تزریق امید به دل‌های آنهاست. سربلندی است و آبرو می‌سازد، شادی و اعتبار می‌آورد و برای هر کدام از ما ایرانیان، در هر جای جهان، این جایزه اعتبار است؛ انگار مدالی به سینه هر کدام از ما باشد یا نشانی بر پیشانی‌مان. متأسفانه هنوز «فروشنده» را ندیده‌ام، ولی این فیلم هرچه که هست، همین که فرهادی باتش اسکار گرفته، با هر معنایی که این جایزه دارد -چون عده‌ای تعابیر عجیبی کرده‌اند- بی‌پروبرکرد اعتبار و شهرت جهانی برای سینما و فرهنگ ایران دارد. برای همه ما این جایزه عزیز و خوب است. زنده باشی اصغر فرهادی و باز برایشان فیلم‌های خوب سازی و سرافرازمان کنی. پرای

کدام ایرانی است که افتخار نکند



▮ **نورالدین زرین‌کلک**

● باری کدام ایرانی هست که احساس افتخار و غرور نکند از جلوه هنر و هنرمندانش در صحنه جهانی؟ من هم مثل همه چندمیلیون آدمی که در اطراف عالم مراسم اسکار را تماشا کردند به دیدن صحنه‌های پرشکوه و پرطمطراق این حادثه هنری/ صنعتی آمریکا و خبرهای متعاقب آن نشستم و با همسرم برای فرهادی دست زدیم. ما از دست پوپولیست‌های خودمان گریختیم غافل از اینکه پوپول‌های تپوبل در همه عالم یافت می‌شود. بیت: همی گریختم از احمدی‌نژاد به دشت/ نکو که در همه عالم احمدی‌نژاد هست. بازهم قربان آقای خان شهردار لندن که با نمایش فیلم فرهادی در میدان مرکزی مشمت محکمی به پوزه این رئیس‌جمهور زد. مصاحبه بی‌بی‌سی با جوشید اکرمی را هم دیدم و با کسانیکی که دلشان می‌خواست فرهادی یک سینماگر ایرانی را وکیل کند همدل هستم، اما این حق را برای فرهادی محترم می‌شمرم که سلیقه خود را به هر دلیل-اعمال کند. حقیقت اینکه دلم می‌خواست این مراسم مهم سینمایی از عباس کیارستمی هم یادی بکند که در بخش «ازدست‌شدگان» چنین کردند. خدا کره سبز و آبی ما را از دشمنان آزادی حفظ کند. کالیفرنیا

وجه سیاسی اسکار امسال



▮ **عباس عبدی**

● وجه سیاسی و آثار سیاسی این اسکار برجسته‌تر از آثار هنری آن است. این امر به معنای نادیده یا کم‌اهمیت‌دانستن وجه هنری فیلم فروشنده نیست که شخصاً آن را دیده و بردهام، بلکه به این معناست که این جایزه ناخوسته با موضوعی سیاسی قرین شده که پیام خاص خود را به جهان می‌دهد، می‌توان به‌گونه‌ای این پیام را چنین بیان کرد؛ جامعه مدنی و هنری آمریکا استقلال نسبی دارد و توان آن را دارد که جلو خودکامگی نیز بایستد. این جایزه نشان داد که قدرت کشورها در قدرت نهادهای مدنی آن است. ما نیز می‌توانیم با شکل‌دادن و اعتباردادن به چنین نهادهایی جامعه خود را تقویت کنیم. تبریک ویژه به آقای فرهادی و عوامل تهیه فیلم فروشنده بابت این پیروزی و این دستاورد.

البته به دلایل سیاسی



▮ **بهرام دبیری**

● بی‌تردید جایزه اسکار همیشه سیاسی بوده است. هرچند در مواردی انگیزه‌های سیاسی وجه غالب این انتخاب نبوده باشد، اما هرگز و در هیچ موردی دور از سیاست هم نبوده. اصولا جایزه‌هایی در این سطح نمی‌تواند از مقولات و موضع‌گیری‌های سیاسی جدا باشد. به باور من وقتی مقولات سیاسی در انتخاب اثر هنری وارد شود، می‌تواند نگرانی‌هایی در مفهوم ارزش هنر ایجاد کند. من هرگز ندانسته‌ام که چگونه می‌شود از مجموعه‌ای عظیم از آفرینش‌های هنری یکی را انتخاب کرد و آن را بهترین دانست. اما دریافت این جایزه اسکار را به فرهادی و مردم ایران تبریک می‌گویم. «البته به دلایل سیاسی» از آنجا که این نوع سینما هیچ‌وقت سلیقه من نبوده و علاقه‌ای به آن نداشته‌ام.